



پیام باستان‌شناسی

شاپا چاپی: ۲۰۰۸-۴۲۸۵

شاپا الکترونیکی: ۹۸۸۶-۲۹۸۰

دوره ۱۴، شماره ۲۷، پاییز و زمستان ۱۴۰۱



بررسی قوم‌باستان‌شناسی روستاهای تنگ منصوری و نوخان در استان کرمانشاه و اهمیت آن‌ها در تفاسیر باستان‌شناختی با تأکید بر الگوهای دفع زباله

ناصر امینی‌خواه^۱

DOI: 10.30495/peb.2023.701579

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۹/۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۷/۲۸

چکیده

شدت تغییرات در طی چند دهه اخیر سبب گردیده که بسیاری از محققان جهت حفظ و نگهداری میراث فرهنگی بشری، به ثبت و ضبط جنبه‌های گوناگون جوامع سنتی و کمتر تغییر یافته دست بزنند. در چند دهه اخیر پیشرفت بسیار سریع فناوری‌ها سبب تغییرات فراوان و سریع در جنبه‌های مختلف زندگی انسان از معماری و ساختار اجتماعی گرفته تا پوشش و خوراک گردیده است. از این رو امروزه اندک مکان‌ها و اجتماعاتی وجود دارد که از این تغییرات به دور مانده باشند؛ به همین جهت ثبت و ضبط اطلاعات موجود در چنین مکان‌هایی که بستر سنتی خود را حفظ کرده‌اند برای کمک به شناخت یافته‌های باستان‌شناختی و تحلیل و تفسیر داده‌ها بسیار حائز اهمیت است. دو روستای تنگ منصوری و نوخان در استان کرمانشاه از جمله اندک اجتماعاتی هستند که تا حدی از تغییرات عصر حاضر به دور مانده‌اند و توانسته‌اند تا حدودی شیوه سنتی زندگی خود را حفظ نمایند. به همین دلیل، برای انجام تحقیق حاضر، دو روستای مذکور مناسب‌ترین گزینه‌ها جهت انجام مطالعات قوم‌باستان‌شناسی نسبت به پیرامون خود به شمار می‌رفتند و از این رو، برای پژوهش حاضر انتخاب شدند. بر این اساس، در این پژوهش به بررسی قوم‌باستان‌شناسی این دو روستا به‌طور هم‌زمان پرداخته و با مطالعه جنبه‌های مختلف زندگی، توصیفی جامع از آنها ارائه شده است. در نهایت، با مقایسه یافته‌های حاصل از تحقیق پیشنهادهایی ارائه گردیده است که به باستان‌شناسان کمک می‌کند تا تحلیل دقیق‌تری از یافته‌های خود داشته باشند. همچنین، الگوی دفع زباله که اهمیت زیادی در کاوش و تفاسیر باستان‌شناسی دارد مورد تأکید قرار گرفته و محل‌های دفع زباله مطالعه گردیدند.

واژگان کلیدی: قوم‌باستان‌شناسی، دفع زباله، منظر باستان‌شناسی، تنگ منصوری، نوخان.

* **استاد:** امینی‌خواه، ناصر (۱۴۰۱). بررسی قوم‌باستان‌شناسی روستاهای تنگ منصوری و نوخان در استان کرمانشاه و اهمیت آن‌ها در تفاسیر باستان‌شناختی با تأکید بر الگوهای دفع زباله. *پیام باستان‌شناسی*، ۱۴ (۲۷)، ۷۱-۹۴.

^۱ گروه باستان‌شناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. نویسنده مسئول: naseraminikhah@gmail.com

این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد ناصر امینی‌خواه با عنوان «بررسی قوم‌باستان‌شناسی روستاهای تنگ منصوری و نوخان در استان کرمانشاه و اهمیت آن‌ها در تفاسیر باستان‌شناسی» به راهنمایی دکتر سجاد علی‌بیگی است که سال ۱۳۹۶ در دانشگاه رازی کرمانشاه دفاع شد.

مقدمه

فرهنگ‌ها یا به عبارتی راه و روش زندگی جوامع انسانی همواره به دلایل گوناگون دچار دگرگونی می‌شوند، اما باین حال، میزان تغییر در بین جوامع یکسان نیست. جامعه ایران تا حدود یک قرن پیش دارای فرهنگی دوبعدی شامل فرهنگ ایرانی-اسلامی بود (محمدپور، ۱۳۹۲: ۲۲). که به لحاظ فناوری، تغییرات اندکی را نسبت به فرهنگ ایرانی به وجود آورده بود، حتی می‌توان گفت، به لحاظ وسایل و لوازم مورد استفاده تفاوت اندکی میان روستاهای دورافتاده امروزی با جوامع یکجانشین پیش از تاریخ وجود داشت. نظر بر این است، که بین الگوی استقرار دوره نوسنگی و نمونه‌های امروزی در زاگرس مرکزی شباهت زیادی به چشم می‌خورد (رفیع فر و قربانی، ۱۳۸۷)؛ اما در اواخر دوره قاجار و اوایل دوره پهلوی با اشاعه و اقتباس برخی عناصر فرهنگی غرب به یک فرهنگ سه‌بعدی ایرانی، اسلامی و غربی تبدیل شد که پیامدهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی خاصی را نیز به دنبال داشت (محمدپور، ۱۳۹۲: ۲۱). این وضعیت تا به امروز ادامه دارد و شدت بیشتری نیز به خود گرفته است و سبب تغییرات شدید در جوامع سنتی شده که تقریباً تمامی جوامع انسانی را به سوی یکپارچه‌سازی سوق می‌دهد. این یکپارچگی و یا به عبارتی جهانی‌شدن، سبب از میان رفتن سنت‌ها، آداب و رسوم و معماری بومی مناطق مختلف در دنیا شده است. با توجه به اینکه، مطالعات مردم‌شناسی و قوم‌باستان‌شناسی جزء جدایی‌ناپذیر تفاسیر باستان‌شناسی بوده و در نتیجه از بین رفتن بافت‌های سنتی جامعه، در بسیاری از موارد سبب سردرگمی و بعضاً تفاسیر اشتباه و دور از واقعیت توسط باستان‌شناسانی خواهد شد که به مطالعه فرهنگ‌های گوناگون جوامع گذشته می‌پردازند. از طرفی می‌بینیم که برخی از باستان‌شناسان به دلیل کمبود و یا عدم مطالعات

قوم‌باستان‌شناسی در جغرافیای مورد مطالعه خود، در تحلیل وضعیت جامعه باستانی دست به دامن مطالعات قوم‌باستان‌شناسی شده‌اند که در چشم‌اندازها، اقلیم‌ها و مناطق فرهنگی جغرافیایی دیگری غیر از منطقه مورد مطالعه خود شده‌اند و این موضوع به تفاسیر مبهم و به‌دوراز واقعیتی منجر شده است (علیزاده ۱۳۸۳: ۷۷). چراکه محیط و جغرافیای طبیعی مختلف که جوامع گوناگون در آن زندگی می‌کنند، زمینه‌ساز رفتارها، فعالیت‌ها و بازمانده‌های متنوعی خواهد شد. در واقع، هر جامعه در هر جغرافیایی که زندگی می‌کند، به تبع آن، علاوه بر ویژگی‌های بالا آداب و رسوم خاص خود را دارد و در نتیجه تعمیم دادن نتایج مطالعات قوم‌باستان‌شناختی در یک سرزمین دیگر به مردمان دیگر یا مقایسه آنها با بقایای باستان‌شناختی سرزمین‌ها و اقلیم‌های گوناگون اغلب مخاطره‌آمیز است و احتمالاً درست نیست. در واقع دریافتن و مطالعه همگونی‌های فرهنگی و مادی بین گذشته و جوامع سنتی امروز باستان‌شناسان باید مراقب باشند که هر دو جامعه بافت زیست‌محیطی همسان داشته باشند تا مقایسه معتبر باشد (علیزاده، ۱۳۸۳: ۷۷).

با توجه به آنچه آمد، پژوهش در مکانی منزوی و به‌دوراز توسعه فزاینده فناوری امروزی برای فهم شکل‌گیری و درک چگونگی تغییرات ایجاد شده در معماری، فرهنگ اجتماعی و... جهت کمک به باستان‌شناسان در تحلیل و تفسیر یافته‌های باستان‌شناختی، در منطقه زاگرس مرکزی به‌عنوان یکی از نخستین خاستگاه‌های روستایی در ایران ضروری به نظر می‌رسد. دوری از شهرها، انزوا و عدم دسترسی آسان دو روستای تنگ‌منصوری و نوخان و کوچک بودن جامعه، قابلیت این روستاها را برای انجام چنین مطالعاتی را دوچندان می‌کند. بر همین اساس نگارندگان در پژوهش حاضر با تکیه بر تئوری حد وسط به بررسی و مطالعه

همچنین، از طریق همین کانال دستیابی به تصاویر قدیم و جدیدی میسر گردید که می‌توان گفت امکان دسترسی به آنها دشوار بود.

به‌طور خلاصه، می‌توان گفت که در این تحقیق روش‌های کتابخانه‌ای مورد استفاده در دو فضای واقعی و مجازی شامل متن‌خوانی و فیش‌برداری، تصویرخوانی و استفاده از عکس‌ها و نقشه‌ها، سند خوانی و استفاده از مدارک و مستندات بود. در مطالعه میدانی نیز روش‌هایی که در هر دو فضا مورد استفاده واقع شدند شامل روش صوتی و تصویری (مانند عکس‌برداری و ضبط مکالمات با استفاده از ریکورد)، روش مشاهده، روش مصاحبه و تکمیل پرسشنامه که جهت این روستاها تدوین شده بود، روش بحث و تعامل گروهی استفاده گردید.

پس از گردآوری اطلاعات مورد نیاز، با استفاده از روش‌های فوق اقدام به طبقه‌بندی و توصیف یافته‌ها، تجزیه و تحلیل داده‌ها به کمک مطالعات کتابخانه‌ای و به‌کارگیری مبانی نظری و درنهایت به مقایسه اطلاعات و داده‌های حاصل از پژوهش پرداخته شد.

برای گردآوری داده‌های این پژوهش، ابتدا پرسشنامه‌هایی توسط نگارندگان تهیه شد. بدین صورت که هر کدام از روستاهای مورد مطالعه به‌طور جداگانه و بر اساس یک محور واحد مورد مطالعه و بررسی قرار گرفتند. بر این اساس متغیرهایی برای مطالعه مشخص و تعریف گردید و نتیجه نهایی پژوهش نیز بر پایه آنها به دست آمد. پس از توصیف هر روستا به لحاظ موقعیت قرارگیری، ساختار کلی روستا و جغرافیای محل ویژگی‌های زیر نیز جهت مطالعه هر روستا مورد پژوهش قرار گرفت. برای پرهیز از طولانی شدن مطالب این ویژگی‌ها در قالب جدول‌های شماره (۱ تا ۱۰) تدوین شده‌اند:

۱- جمعیت: انسان‌ها، قومیت و قبیله و خانوار

قوم‌باستان‌شناسی این دو روستا در استان کرمانشاه (زاگرس مرکزی)، پرداخته و در نهایت، نتایج حاصله را با یکدیگر مقایسه نموده‌اند. لازم به ذکر است به دلیل عدم وجود محوطه‌های کاوش شده در نزدیکی روستاهای مطالعه شده، به ناچار دست به مقایسه با محوطه‌های مشابهی که دور از بستر مطالعاتی ما واقع شده‌اند زده‌ایم.

روش تحقیق

ویژگی اساسی و ذاتی پژوهش‌های علمی را اتکای آنها به اطلاعات و داده‌های دست‌اول و اصیل تشکیل می‌دهد و پژوهشگر در فرآیند پژوهش خود با آنها را همواره مدنظر داشته باشد (حافظ نیا، ۱۳۹۲: ۱۹۱). در پژوهش حاضر جهت حصول این امر اقدام به گردآوری اطلاعات و داده‌های دست‌اول به دو روش میدانی و کتابخانه‌ای گردید. در ابتدا به مطالعه پیشینه تحقیقاتی و فعالیت‌های انجام‌شده در این خصوص پرداخته شد. پس از تهیه نقشه‌های هوایی و جغرافیایی در چهار مرحله و طی سه هفته همراه با تهیه پرسشنامه قوم‌باستان‌شناسی به روستاهای تحت مطالعه مراجعه شد و مطالعات میدانی به انجام رسید؛ در این مرحله، اطلاعات مورد نیاز به‌طور کامل در فرم‌هایی ثبت و ضبط گردید.

در انجام این تحقیق، جهت گردآوری اطلاعات هم از فضای واقعی که همان مطالعات میدانی و کتابخانه‌ای است استفاده شد و هم از فضای مجازی که شامل جستجو در پایگاه‌های استنادی، بانک‌های اطلاعاتی و کتابخانه‌های دیجیتال و نیز شبکه‌های مجازی اجتماعی بهره گرفته شد. در این میان استفاده از شبکه اجتماعی مجازی بسیار مفید واقع شد؛ به گونه‌ای که با تأسیس گروهی که اعضای آن را تحصیل‌کردگان روستای نوخان تشکیل می‌داد بسیاری از زوایای پیچیده رفتاری و نظری به بحث گذاشته شد و نتایج مفیدی حاصل گردید؛

قوم‌باستان‌شناسی در فهم بهتر یافته‌های کاوش‌های باستان‌شناختی، قوم‌باستان‌شناسان تئوری حد وسط را بیشتر در جهت فهم داده‌های مادی به کار می‌بردند (Drewett, 1999: 196).

تئوری حد وسط با دو گروه داده‌های ایستا و پویا سروکار دارد. این تئوری سعی دارد فاصله میان داده‌های پویای امروزی و داده‌های ایستا یا (حد بالا^۴) را پر کند (شکل ۱) و در این راه به مطالعه فرایندهای شکل‌گیری محوطه‌ها با دیدی باستان‌شناسی و فرازمانی می‌پردازد (Trigger, 1989: 361).

پیشینه مطالعات قوم‌باستان‌شناسی در ایران

با اینکه مطالعات قوم‌باستان‌شناسی در ایران تاریخچه‌ای نسبتاً طولانی دارد، اما آن‌چنان باید و شاید مورد توجه باستان‌شناسان ایرانی قرار نگرفته است و به جز یکی دو دهه اخیر مطالعات درخور توجهی توسط آنها به انجام نرسیده است. این رویکرد نسبتاً جدید در دانش باستان‌شناسی که حدود یک قرن از عمر آن در دنیا می‌گذرد، از اواخر دهه ۶۰ میلادی با انجام برخی فعالیت‌های انجام گرفته توسط باستان‌شناسان اروپایی و آمریکایی در ایران آغاز گردید.

کارول کرامر با اجرای چنین تحقیقاتی در روستای علی‌آباد کرمانشاه (Kramer, 1979) و ویلیام سامنر (Sumner, 1979) و فرانک هول (Sumner, 1979: 164-74; Hole 1979) نیز به ترتیب در استان‌های فارس و لرستان با انجام پژوهش‌های مشابهی، عملاً به مطالعات قوم‌باستان‌شناختی در ایران پرداختند. کار پتی جو واتسون در روستای حسن‌آباد در این زمینه بسیار جالب توجه و ارزشمند است. وی در پژوهش خود تمامی جنبه‌های زندگی مردم روستای حسن‌آباد را مطالعه نمود و با تهیه

۲- روابط و ساختار اجتماعی

۳- معیشت و مناسبات اقتصادی

۴- الگوی دفع زباله

۵- سازه‌ها و ابزارهای مربوط به آماده‌سازی و تدارک

غذا

۶- سازمان فضایی و معماری مسکونی

مبانی نظری پژوهش

برای نخستین بار، اتنوآرکیالوژی^۲ توسط جی. و. فیوکس در سال ۱۹۰۰ در مطالعات او در پوابلوه‌های^۳ سرخ‌پوستان آمریکا به کار برده شد، اما تا سال‌های ۱۹۷۰ به آن توجه جدی نشد (علیزاده ۱۳۸۰: ۷۶). در این رویکرد باستان‌شناسان به مطالعه زندگی مردم زنده و چگونگی ساخت و ساز مواد، دور ریختن آنها و شکل‌گیری محوطه‌ها می‌پردازند تا ارتباط بین داده‌های باستان‌شناختی و تفاسیر امروز از آنها را پیدا کنند (Godsen, 1999: 57). دریافتن و مطالعه همگونی‌های فرهنگی و مادی بین گذشته و جوامع سنتی امروز باستان‌شناسان باید مراقب باشند که هر دو جامعه بافت زیست‌محیطی همسان داشته باشند تا مقایسه معتبر باشد (علیزاده ۱۳۸۰: ۷۷). مشاهده رفتارهای امروزی می‌تواند بینش و نگرش ما را در فهم رفتارهای گذشته تسهیل کند «به‌ویژه زمانی که شباهت‌های قوی میان محیط و فناوری در گذشته و سیستم‌های فرهنگی و اجتماعی معاصر وجود داشته باشد» (Kramer, 1979). تئوری اصلی در باستان‌شناسی بهره‌گرفتن از نتایج حاصل از قیاس مشاهدات امروزی برای شرح حوادث و فرآیندهای گذشته است (Kramer, 1979). مقایسه در قوم‌باستان‌شناسی بر پایه تئوری حد وسط^۴ است. اما با توجه به طبیعت ماده‌گرای باستان‌شناسی و کاربرد

^۴ Middle Range Theory

^۵ High Range Theory

^۲ Ethnoarchaeology

^۳ Pueblo

فرانک هول دیگر پژوهشگری است که در لرستان به کار قوم‌باستان‌شناسی پرداخته است و نتیجه آن را در سال ۱۹۷۹ تحت عنوان «کشف دوباره گذشته از طریق زمان حاضر: قوم‌باستان‌شناسی در لرستان ایران» منتشر نمود (Hole, 1979). وی پس از مطالعاتش نتیجه گرفت که چادرنشینی و کوچ‌گری اساساً به همان لوازمی که روستانشینان امروزی استفاده می‌کنند، نیاز دارد. تفاوت اساسی بین روستائیان قبیله‌ای و چادرنشینان امروزی در مقدار تجهیزات و لوازمی که مورد استفاده قرار می‌دهند و همچنین، سبک خانه‌سازی است.

پتی جو واتسون کار قوم‌باستان‌شناسی را در سه دهکده در استان کرمانشاه به نام‌های حسن‌آباد، عین‌علی و شیردشت از نوامبر ۱۹۵۹ تا ژوئن ۱۹۶۰ به انجام رساند ولی بخش عمده کتاب خود را به ارائه گزارش‌های قوم‌نگاری روستای حسن‌آباد اختصاص داد (Watson, 1979). واتسون اطلاعات حاصله را در شکل‌هایی پردازش کرده است که آنها را می‌توان به‌عنوان الگویی برای مطالعات قوم‌باستان‌شناسی در یک جامعه بکر و دست‌نخورده در ایران، مدنظر قرار داد. وی در تحقیقات خود سعی کرد بین طرح روستا، ویژگی معماری خانگی و کار ابزارها از یک طرف و میزان جمعیت و ساختار اقتصادی / اجتماعی از طرف دیگر ارتباط برقرار نماید. واتسون در بخش اول کار خود بر روی سازمان اقتصادی، شیوه‌های کشاورزی، دامداری، فناوری خانگی، روابط خویشاوندی و روبناهای سه جامعه فوق متمرکز بود. در بخش دوم وی روی روابط رفتاری و اصول یکسان‌نگاری روستا و بخصوص رابطه بین باستان‌شناسی و مردم‌شناسی را به بحث گذاشته است (Watson, 1979).

لی هورن دیگر قوم‌باستان‌شناسی است که در فاصله سال‌های ۱۹۶۲ تا ۱۹۷۸ عموماً در منطقه شمال شرقی ایران مطالعات قوم‌نگاری و قوم‌باستان‌شناسی انجام داد.

شکل‌هایی از وضعیت اقتصادی، جمعیت روستا به تفکیک خانوار، وضعیت مرگ‌ومیر، وضعیت زمین‌های کشاورزی و باغات به لحاظ حاصلخیزی و باروری و ... نمودی شفاف و واضح از روستا را میسر ساخته که راهنمایی بسیار مناسب و مفید برای محققینی است که در حیطه قوم‌باستان‌شناسی به فعالیت می‌پردازند (Watson, 1979).

در سال ۱۹۷۵، کرامر در روستای شاه‌آباد کرمانشاه با گردآوری و تفسیر اطلاعات معماری و جمعیتی، ارتباط موجود بین ابعاد کمی جمعیت خانواده و روستا و شئون اقتصادی و ثروت را بررسی کرد (Kramer, 1979). هدف کرامر از این کار تعیین ارتباط میان تمایزات موجود در این سه شاخص با مقولاتی چون ثروت، تعداد ساکنین و یا هر دو بود. سرانجام عمیق‌ترین ارتباط به لحاظ ثروت و ابعاد جمعیتی خانواده، بین گروه مرکب و صاحبان زمین مشاهده شد و تفاوت‌های مالی بین گروه فاقد زمین و مالک زمین آشکار گردید (Kramer, 1979: 139-163). به دیگر سخن، کرامر با استفاده از معیارهای سنتی ثروت، توجه خود را بر روی شئون اقتصادی متمرکز کرد؛ همان‌گونه که بازتابی از آنها در شاخص‌های متریک معماری مسکونی قابل مشاهده بوده است. وی به مصالح ساختمانی چون تیرهای سقف، آجر، خشت، کاه گل کشیدن کف خانه‌ها، تنوع پنجره‌ها، دوغاب سفید و مانند آن به‌عنوان موادی برای آزمایش مستقل و مفید مسئله تمایزات اقتصادی توجه نشان داد (Kramer, 1979: 139-163).

پژوهش دیگر در این زمینه، توسط ویلیام سامنر انجام پذیرفت. وی با استفاده از اطلاعات آماری و نقشه‌های جغرافیایی استان فارس، ارتباط بین جمعیت‌ها و محوطه‌های استقراری معاصر را تعیین و الگوهای پیشنهاد کرده است که برای تخمین جمعیت محوطه‌های باستانی منطقه مفید هستند (Sumner, 1979: 164-74).

امتداد مسیر اصلی جنوب به شمال قرار داشته است که امروزه نیز جاده اصلی میان استان‌های کرمانشاه و ایلام از حدود یک کیلومتری شرق روستا می‌گذرد؛ اما اکنون چنین نیست و جاده‌ای که به روستا می‌رود خاکی بوده و معمولاً در فصول سرد و پس از بارش مسدود می‌گردد؛ همین امر سبب گردیده که عبور و مرور به روستا با محدودیت‌هایی مواجه باشد و روستا حالت سنتی خود را حفظ نماید.

روستای نوخان

به لحاظ تقسیمات سیاسی، روستای نوخان جزو بخش شاهو شهرستان روانسر در استان کرمانشاه است. روستای نوخان در طول جغرافیایی ۳۴,۸۷,۷۴۱ و عرض ۴۶,۴۳,۹۷۱۶ قرار دارد و ارتفاع آن از سطح دریا ۱۲۱۵ متر است. این روستا در میان دره‌ای عمیق و درست در محل تلاقی سه‌راهی قرار دارد که از سمت جنوب غربی به روستای نونل^۶، از شمال غربی به روستای لورابی^۷ و از جنوب شرقی به روستای بزگوره^۸ می‌رسد (شکل ۲).

روستای نوخان در منطقه‌ای قرار گرفته است که اسکلت ناهمواری‌های آن به تبعیت از رشته کوه زاگرس شمال غربی - جنوب شرقی است (معرفت، ۱۳۸۱: ۲۸۵). از لحاظ ریخت‌شناسی قسمت اعظم منطقه را ناهمواری‌های کوهستانی تشکیل می‌دهند و در مواردی اراضی هموار بسیار کوچک و مرتفعی در این ارتفاعات مشاهده می‌شود.

نواحی کوهستانی این منطقه در حدود ۲۰۰۰ تا ۳۰۰۰ متر از سطح دریا ارتفاع دارند و جنس اکثر آنها از آهک است. رودخانه‌های این منطقه نیز در دره‌های جوان و تنگ و باریک منطقه جریان دارد (سازمان جغرافیایی

وی در روستاهای منطقه توران واقع در ۱۵۰ کیلومتری سزواری طی سه تابستان (۸ - ۱۹۷۶) تحت حمایت سازمان یونسکو به پژوهش پرداخت. هورن در این منطقه، با هدف‌های قوم‌باستان‌شناسی پژوهش کرد و همگونی‌هایی از اقتصاد ترکیبی (دامداری و کشاورزی) و تأثیر آن بر ریخت‌شناسی فضایی روستا و بافت‌های معماری آن استخراج کرد (Horne, 1994) تا باستان‌شناسان را در بازسازی و تفسیر موارد مشابهی که در بافت‌های باستان‌شناختی با آنها روبرو می‌شوند، یاری دهند.

جلال‌الدین رفیع‌فر (۱۳۹۶، ۱۳۹۴، ۱۳۸۷، ۱۳۶۸، ۱۳۸۵)، لیلا پاپلی (۱۳۸۱)، حسن رضانی (۱۳۹۵) و شماری دیگر از جمله پژوهشگرانی هستند که در این زمینه به پژوهش پرداخته و مطالعات ارزشمندی در این زمینه داشته‌اند. در ادامه نگارندگان به مطالعه دو روستای جدید در منطقه زاگرس مرکزی و استان کرمانشاه پرداخته و نتایج تحقیقات خود را ارائه نموده‌اند.

روستای تنگ منصوری (ناو تنگ)

به دلیل اینکه اسم اصلی روستای تنگ منصوری (ناو تنگ) است از این به بعد در این نوشتار ما نیز از نام اصلی آن استفاده می‌کنیم. روستای ناو تنگ جزء بخش حمیل شهرستان اسلام‌آباد غرب است. روستا در میان تنگه‌ای قرار دارد که به میان تنگ مشهور است. این روستا در ارتفاع ۱۱۶۲ متر از سطح دریا واقع شده و در موقعیت ۴۶ ۳۹ ۳۵,۱۸ طول جغرافیایی و ۲۷ ۴۹ ۳۳ عرض جغرافیایی قرار دارد. روستا به لحاظ تقسیمات سیاسی آخرین روستای بخش جنوبی استان کرمانشاه به شمار می‌رود که در مرز استان کرمانشاه و ایلام است (شکل ۲). روستای مذکور در گذشته‌های نه‌چندان دور در

⁸ Bz Gorre

⁶ Nawal

⁷ Lorawi

نیروهای مسلح، ۱۳۸۶: ۳۰۰) که رودخانه جاری در روستای نوخان یکی از این‌هاست.

الگوی دور ریختن زباله در روستای ناو تنگ

پسماند یا زباله به مواد جامد، مایع و گاز (غیر از فاضلاب) گفته می‌شود که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم و به‌صورت ناخواسته حاصل فعالیت انسان بوده است و از نظر تولید کنند زائد تلقی می‌گردد (عمرانی، ۱۳۸۳: ۴). زباله‌های روستای ناو تنگ را می‌توان به چند بخش تقسیم کرد که شامل زباله‌های ساختمانی (نخاله)، زباله‌های حاصل از مواد مصرفی که این نوع زباله خود به دو نوع زباله‌های آلی و پس‌مانده‌های مواد پلاستیکی تقسیم می‌شوند و زباله‌های حیوانی هستند. زباله ساختمانی بیشتر مواقعی تولید می‌شود که خانه‌ای متروک گردد و برای مدت زیادی کسی در آن محل ساکن نشود. در این حالت ساختمان متروک شده، به‌مرور زمان و به دلیل عدم محافظت از آن بر اثر عوامل طبیعی ویران می‌شود و ویرانه‌های آن به داخل و اطراف فضای مورد بحث فرو می‌ریزد. بر اساس رسم موجود در این روستا هیچ‌کس حق استفاده از این نخاله‌ها و مصالح نظیر تیرهای چوبی، لاشه‌سنگ‌ها را ندارد مگر اینکه صاحب‌خانه اجازه استفاده از آن را به شخص یا اشخاص دیگری داده باشد (شکل ۳). این حالت به قوت خود باقی می‌ماند تا اینکه صاحب‌خانه مذکور تصمیم بگیرد که در آن محل دوباره اقدام به ساخت بنا نماید.

این وضعیت، در خصوص زباله‌های حاصل از مواد مصرفی و زباله‌های حیوانی متفاوت است. به‌طوری‌که این زباله‌ها ابتدا در خانه جمع‌آوری می‌شوند و سپس، به حاشیه روستا برده شده و در آنجا تخلیه می‌شوند. البته چون زباله‌های حیوانی که خود به‌عنوان سوخت و کود نیز استفاده می‌شوند در بیشتر مواقع به‌صورت جداگانه و در محل جداگانه دفع می‌گردند. با توجه به وضعیت

توپوگرافی دره و به‌ویژه موقعیت روستا در حاشیه رودخانه، زباله‌ها بیشتر در حاشیه غربی (شکل ۴) و جنوبی روستا ریخته می‌شوند. به نظر می‌رسید که در انتخاب محل دور ریختن زباله‌ها تدبیری اندیشیده نشده باشد، زیرا اغلب باد از سمت غرب می‌وزد و این امر سبب پخش شدن بوی زباله و دود حاصل از سوختن آنها به داخل روستا شود؛ اما با تحقیقاتی که به انجام رسید دلیل این امر روشن شد. دلیل آن شکل روستا و محل قرارگیری آن در میان دو دره است. از سمت غرب روستا محدود به دره‌ای می‌شود که پهنای آن حدود ۲۰۰ متر و با شیب تقریباً تند است که رفت و آمد دائمی از آن تا حدودی دشوار است. همچنین، روستا از سمت جنوب به رودخانه محدود است و نمی‌توان مقدار زیادی زباله در این محل تخلیه کرد و از سمت شرق نیز به رودخانه و از طرفی ورودی اصلی روستا هست که امکان تخلیه زباله در آن وجود ندارد. به همین دلیل به‌ناچار بهترین محل دفع زباله همین غرب روستا است که از قضا مشرف بر مسیر رودخانه چناره است.

الگوی دورریزی زباله در روستای نوخان

انسان از دیرباز به اهمیت پاکیزگی و دوری از آلودگی پی برده است هم‌چنانکه در دین اسلام نیز اهمیت زیادی به پاکیزگی داده شده است و حدیث مشهور «النظافه من الایمان» (محدث نوری، ۱۴۰۸: ۳۱۶) نمونه بارز این امر است. یکی از فرهنگ‌های پسندیده و جالب که در اکثر روستاهای منطقه کوهستانی هورامان مرسوم است حمل زباله‌های منزل به فاصله دور از روستا توسط زنان و دفع آن هست. در روستای نوخان وضعیت تا حدودی متفاوت است. زیرا شیب بسیار تند کوه‌ها در نزدیکی روستا شاید دلیلی برای عدم وجود چنین الگویی باشد. مانند روستای تنگ منصوری، زباله‌های روستای نوخان را نیز می‌توان به سه نوع زباله‌های ساختمانی، زباله‌های

بحث

روستاهای زاگرس را می‌توان به‌طور عمده به لحاظ توپوگرافی در سه رده قرار داد: (۱) رده کوهستانی با شیب تند، (۲) رده کوهپایه‌ای با شیب متوسط و (۳) رده دشتی با شیب ملایم (هاشم نژاد و مولانایی، ۱۳۸۷). بر اساس این سه رده، ساختار بافت روستا متفاوت بوده و هر یک دارای ویژگی‌های مختص به خود می‌باشند. در رده‌های کوهستانی (نوخان) و کوهپایه‌ای (ناو تنگ) اکثر روستاها در طرفین دره‌ای کم‌عرض با شیب متفاوت واقع شده‌اند. جهت عمده ساختمان‌ها رو به سمت جنوب و جنوب‌شرقی بوده تا بیشترین بهره ممکن از تابش آفتاب میسر باشد (شکل ۷) (Shepperson, 2017: p. 68-69 and fig. 4.8). در بسیاری از موارد در یک سمت دره، خانه‌های مسکونی و در سمت دیگر، زمین‌های محدودی که به باغداری یا کشاورزی اختصاص یافته؛ مستقر می‌باشند (مولانایی، ۱۳۸۴، ۱۹۶).

عامل توپوگرافی همچنین، در کلیت نحوه استقرار بافت مسکونی روستاها تأثیرگذار بوده است. این عامل بافت روستاها را به دو بخش تقسیم نموده است: (۱) بافت آزاد و (۲) بافت متراکم. بافت آزاد معمولاً در روستاهایی به وجود می‌آید که از شیب ملایمی برخوردار باشند (روستاهای رده ۳). در این روستاها هر جا که زمین قابل تصرف بوده، روستاهای غیر متراکم با حداکثر وسعت به وجود آمده‌اند. با توجه به آنچه گفته شد می‌توان روستای تنگ منصوری را در زمره روستاهای رده ۲ و روستای نوخان را جزو روستاهای رده ۱ قرار داد؛ و نیز به لحاظ توپوگرافی نیز روستای تنگ منصوری روستایی با ساختار بافت آزاد بوده و روستای نوخان نیز از جمله روستاهایی است که دارای بافت متراکم است.

حیوانی و زباله‌های تولیدشده از مواد نفتی تقسیم‌بندی کرد. زباله‌هایی که توسط انسان تولید می‌شود خود به دو نوع زباله‌های شیمیایی و زباله‌های آلی تقسیم‌بندی می‌شود.

زباله‌های ساختمانی در این روستا، به‌طور کلی شامل سنگ و چوب است. که پس از متروک شدن بناها ایجاد می‌شود (شکل ۵). مانند دیگر روستاهای منطقه، این نوع زباله‌ها قابل بازیافت بوده و دوباره قابلیت استفاده را دارند، به همین دلیل دارای اهمیت هستند، زیرا تهیه دوباره این مصالح دشوار است. در اینجا نیز هیچ‌یک از اهالی روستا حق استفاده از این ساختارهایی که متعلق به دیگران است را ندارند، مگر اینکه صاحب مصالح اجازه استفاده آن را به دیگران بدهد. شاید بهتر باشد این مواد را به‌عنوان زباله به حساب نیاوریم، اما چون این نوع پسماندها و آوارها، برخی اوقات برای مدت زیادی در محل می‌ماند و محل موردنظر را بلااستفاده می‌کند، از آن به‌عنوان زباله یاد می‌کنیم. در واقع، در این تعریف هر چیزی که از دور مصرف خارج شده را زباله می‌نامیم (Derwett, 1999: 21). یکی از نکات جالب در این روستا، وجود بسیار اندک زباله‌هایی است که از مواد غیر طبیعی ساخته شده‌اند. زیرا در بررسی که در این روستا به انجام رسید مقدار بسیار کمی از آن در روستا وجود داشت. در نوخان قسمت غربی و شرقی روستا که دارای شیب تندی هستند محل دفع زباله‌ها است. با توجه به اینکه مردم روستا زباله‌های شیمیایی اندکی تولید می‌کنند و زباله‌های ارگانیک پس از مدت‌زمان نسبتاً اندکی تجزیه می‌گردند و نیز به دلیل شیب تند دامنه کوه در هنگام بارندگی زباله‌ها کلاً شسته شده و به رودخانه می‌ریزند در نتیجه، بقایای اندکی از زباله‌ها برجایی می‌ماند (شکل ۶).

منابع آب و غذایی مشابه بوده به گونه‌ای که شاید به جرئت بتوان گفت که در هر نقطه از این منطقه می‌توان سکنی گزید. در چنین حالتی گزینه‌های بیشتری برای مکان‌گزینی پیش روی اهالی است. در میان دره‌های تنگ اورامان مکان‌های زیادی برای زندگی جوامع کوچک وجود دارد؛ بر این اساس می‌توان گفت در این چنین مناطقی نیاز است که باستان‌شناسان علاوه بر منابع آب و غذا حتماً موارد دیگری نظیری دوری و نزدیکی به راه‌های ارتباطی را مورد توجه قرار دهند تا در تحلیل‌ها و تفاسیرشان دچار سردرگمی نشوند.

معمولاً در تمامی روستاهای زاگرس در بافت سنتی روستاها از مصالح بوم‌آورد استفاده می‌شود. دوروستای تنگ منصوری و نوخان نیز از این امر مستثنا نیستند و به جهت نبود امکانات حمل‌ونقل و نیز صعب‌العبور بودن مسیر رفت و آمد، اغلب روستاها جهت ساخت بناها از مصالح در دسترس استفاده می‌کردند. به دلیل دشواری تهیه مصالح مورد استفاده دارای ارزش بوده و هستند، به طوری که حتی پس از تخریب منازل و سازه‌ها هیچ‌کس بدون اجازه صاحب‌ملک حق استفاده از آنها را ندارد.

سنگ و چوب مصالح اصلی ساختمان‌سازی در روستای نوخان را تشکیل می‌دهند. می‌توان گفت که در ساخت خانه‌های نوخان مانند روستای ناو تنگ از یک استاندارد خاصی تبعیت می‌کند که تا حد زیادی به هم شباهت دارند، البته باید گفت که این همسانی تنها در ساختمان اصلی یعنی ساختمان دوطبقه است. با این تفاوت که در روستای نوخان یک راه ارتباطی از طبقه دوم به طویل راه دارد. با توجه به مسافت طولانی میان دوروستای ناو تنگ و نوخان و شباهت بسیار زیاد معماری سنتی میان آنها، شاید بتوان گفت که یک سنت معماری (در جزئیات) در زاگرس وجود دارد که اثبات آن نیازمند تحقیق و بررسی جداگانه‌ای است. این موضوع مربوط به زیربنای فضای

یکی دیگر از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در شکل‌گیری ساختار و بافت روستا و خانه‌های مسکونی، شرایط اقلیمی و آب‌وهوایی است. به طوری که این عامل بر جهت خانه‌ها به دلیل آفتاب‌گیر بودن، فشرده بودن و تراکم بیشتر خانه‌ها و ... تأثیرگذار است (علی بیگی و مک‌گینس، ۱۳۹۸).

روستای تنگ منصوری به لحاظ آب و هوایی نیز در منطقه گرم‌تری نسبت به روستای نوخان قرار گرفته است و به همین دلیل فضای میان خانه‌ها بازتر و کوچه‌ها آن عریض‌تر است. تقریباً نیمی از فضای خانه‌ها به فضای باز تعلق دارد که در فصول گرم‌تر استفاده‌های مختلفی از آن می‌شود.

در این که آب و منابع غذایی از جمله مهم‌ترین عوامل در انتخاب مکان زندگی جوامع از بدو حیات تاکنون بوده تردیدی نیست؛ اما می‌دانیم که این عوامل شرط کافی نیست و عوامل دیگری نیز در امر مکان‌گزینی دخیل هستند. در مورد روستای تنگ منصوری آب دلیل اصلی برای مکان‌گزینی بوده است. اما همان‌طور که گفته شد عوامل دیگری در این امر تأثیر داشته است. این روستا در ابتدا در محل دیگری واقع بوده است و فاصله آن تا منابع آب فعلی، حدود چهار برابر مسافت کنونی بوده است. دلیل این امر نیز گرم بودن محل پیشین نسبت به محل کنونی روستا بوده است. اما با توجه به گرم شدن نسبی هوا روستای تنگ منصوری به محل کنونی انتقال پیدا کرد. وجود زمین‌های مناسب‌تر نسبت به محل پیشین، نزدیک‌تر بودن به مسیر ارتباطی با دیگر روستاها و ... از دیگر عوامل تأثیرگذار در امر نقل مکان اهالی روستای ناو تنگ به محل کنونی بوده است.

شاید بتوان گفت که دلیل اصلی سکونت مردمان روستای نوخان در محل کنونی قرار گرفتن بر سر راه ارتباطی بوده است که در گذشته نه‌چندان دور دارای اهمیت بسزایی بوده است. زیرا منطقه هورامان به لحاظ

مانند نصب کاشی‌ها بر سر در خانه‌ها که دارای شعائر دینی و دعایی هستند.

عوامل مختلفی مانند عوامل طبیعی و عوامل اجتماعی و اقتصادی در شکل معماری و ساختار روستاها دخالت دارند؛ البته باید گفت هرکدام از موارد ذکر شده در بخشی از ساختار معماری تأثیر داشته و مجموع عوامل یادشده روستا را شکل می‌دهد.

مصالح در دسترس نیز به‌نوبه خود بر شکل‌دهی سازه‌ها تأثیرگذار است. استفاده از خشت در ساخت بناها اختیارات بیشتری به سازنده آن در جهت وسعت دیوار، چفت‌وبست و انعطاف دیوار نسبت به سنگ می‌دهد.

ساختار اقتصادی مردم در روستاها ارتباط مستقیمی با مساحت، تعداد طبقات، مصالح و اثاثیه فضاهای مسکونی دارد. در این زمینه، شغل ساکنین یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار در چگونگی چیدمان فضایی واحدهای مسکونی روستایی است. گونه‌شناسی مسکن روستایی معیشت مبتنی بر کشاورزی با گونه‌شناسی مسکن روستایی مبتنی بر باغداری متفاوت است (هاشم نژاد، ۱۳۸۷: ۲۶-۱۷).^۹ جوامعی که اقتصاد آنها مبتنی بر دامداری است، در معماری خود بخش‌هایی را جهت انبار و نگهداری دام و طیور، خوراک دام نظیر کاه، یونجه و ... تعبیه می‌کنند، این وضعیت در روستای تنگ منصوریه به خوبی قابل مشاهده است.

در خانه‌هایی که دارای زمین‌های کشاورزی بیشتری هستند سازه‌های مرتبط با معیشت آنها، مساحت بیشتری را دربر گرفته‌اند. در مقابل در روستای نوخان فضای مشابه بسیار کوچک‌تر بوده و بیشتر جهت انبار کردن علوفه دام کاربرد دارد. در منازل کشاورزان همچنین، آلات و وسایل مربوط به کار کشاورزی مانند

اصلی خانه‌ها هست که همان ساختمان دوطبقه است. اما در مورد کل ساختار معماری هر واحد خانوار که شامل انبار، محل پخت نان، کاهدان و... است. وضعیت به‌گونه‌ای دیگر بوده و بنا بر وضعیت ساختاری زمین متغیر هستند. روستاهای ناو تنگ و نوخان در دو منطقه جغرافیایی واقع شده‌اند که دارای شباهت‌هایی با همدیگر هستند و با اینکه به لحاظ مسافتی فاصله نسبتاً زیادی از هم دارند و ممکن است حداقل در دوران معاصر ارتباط مستقیمی میان آنها وجود نداشته است. اما در بسیاری جهات فعالیت‌ها و شاخصه‌های معماری و حتی محل‌های دفع زباله و... با هم شبیه هستند. تفاوت‌های این روستاها مربوط به عدم وجود امکانات زیستی مانند زمین زراعی، زمین مسطح جهت ساخت بنا است که هرکدام سبب به وجود آمدن رفتار و یا عملکرد متفاوتی در هرکدام از این روستاها شده است. در جدول (۱۱) به مقایسه اجمالی دو روستای تنگ منصوریه و نوخان پرداخته و به‌طور جزئی‌تر به تفاوت‌ها و شباهت‌های آنها اشاره شده است.

علاوه بر موارد گفته‌شده وضعیت اجتماعی مردم از قبیل فرهنگ، ویژگی‌های قومی و مذهبی، آداب و سنن رایج و کهن تأثیر مستقیمی بر شیوه معماری و حتی ساختار کلی روستا دارد. عامل فرهنگ بر درون‌گرایی و برون‌گرایی، سلسله‌مراتب حرکتی، دسترسی و همچنین، نما و حجم ساختمان تأثیر می‌گذارد. از جمله تأثیراتی که فرهنگ در بحث درون‌گرایی در روستاهای تنگ منصوریه و نوخان داشته است بیشتر مربوط به تزئینات و وسایلی است که مربوط به اعتقادات مردم روستا هست. نظیر وجود تصاویر و نوشته‌های دینی و در مورد نمای ساختمان نیز بر همین منوال بیشتر تأثیرات مربوط به اعتقادات دینی ساکنین روستاهای تحت مطالعه است،

^۹ می‌توان گفت با مطالعه معماری یک محوطه می‌توان به معیشت و اقتصاد جامعه تحت مطالعه پی برد.

داس، گاو آهن و ... دیده می‌شود، این در حالی است که، چنین وسایلی در روستای نوخان وجود ندارد. منازلی که از حیوانات نگهداری می‌کنند و دامداری بخشی از معیشت و یا اینکه معیشت اصلی آنها را تشکیل می‌دهد نیز دارای ویژگی‌ها و ساختارهای مخصوص به خود هستند. در تمامی این خانه‌ها طویله وجود دارد و محل نگهداری حیوانات مختلف نیز جدای از هم بوده و برای هر کدام فضای مخصوصی در نظر گرفته شده است. معمولاً تمام خانه‌ها از مرغ و خروس نگهداری می‌کنند و در تمامی خانه‌ها برای این پرندگان، محلی کوچک در گوشه و کنار حیاط یا انبار ساخته‌اند.

در هر دو روستا به لحاظ اینکه زباله‌ها در حاشیه روستا دفع می‌شود شباهت وجود دارد، اما وضعیت شکل زمین دو مکان سبب گشته که تفاوت‌هایی داشته باشند. در روستای ناو تنگ به جهت هموار بودن بیشتر، تقریباً در هر مکانی که امکان ریختن پسماندها وجود داشته، زباله‌ها را به‌ویژه در امتداد مسیر رودخانه دفع کرده‌اند؛ اما در روستای نوخان به دلیل قرار گرفتن بر رأس تپه‌ای با شیب تند تنها می‌توان در قسمت‌های شرقی و غربی زباله‌ها را دفع نمود. همچنین، در هر دو روستا سعی شده زباله‌ها در جاهایی ریخته شوند که در حد امکان کمترین محل تردد باشد. با این تفاسیر می‌توان برای مکان‌های باستانی که در محل‌های مشابه قرار دارند الگویی تعریف پیشنهاد کرد و این امر می‌تواند به انتخاب محل ترانشه کمک شایانی به باستان‌شناسان نماید که ترانشه‌ها را در محل احتمالی دپوهای زباله ایجاد نکنند (علی بیگی و مک‌گینیس، ۱۳۹۸).

نتیجه‌گیری

بنا بر آنچه که گفته شد، می‌توان پیشنهاد کرد با استفاده از داده‌های موجود در این نوشتار برای کاوش و یا بررسی محوطه‌هایی که در چنین موقعیت و چشم‌انداز

جغرافیایی قرار دارند، پیش فرضی مناسب و کاربردی وجود دارد که به باستان‌شناسانی که در بافت‌های مسکونی روستایی کاوش می‌کنند، دیدگاه مناسبی جهت تحلیل و تفسیر یافته‌ها و حتی نیافته‌ها ارائه می‌دهد. برای نمونه می‌توان به محل دفع زباله در این دو روستا اشاره کرد. ساکنین هر دو روستا زباله‌ها را در حاشیه روستا و معمولاً در شیب منتهی به رودخانه‌ها رها می‌کنند. اما ناهمواری‌های موجود سبب گشته که محدودیت‌هایی برای هر کدام از آنها به وجود بیاید. در روستای ناو تنگ به دلیل وجود فضای بیشتر انتخاب مکان دفع برای آنها بیشتر است. در نتیجه اهالی به‌غیر از مکان‌هایی که دارای تردد زیاد هستند، در سایر قسمت‌ها زباله‌ها را رها کرده‌اند. البته ناگفته نماند که زباله‌های حیوانی محل دفع جداگانه‌ای دارند؛ اما در روستای نوخان به دلیل محدودیت بیشتر تنها می‌توانند در بخش‌های شرقی و غربی زباله‌های خود را دفع کنند. به دلیل شیب تند این مکان‌ها زباله‌ها معمولاً به ته دره سرازیر شده و یا به داخل رودخانه ریخته و در نهایت شسته می‌شوند. در نتیجه در این روستا شاهد وجود انباشت لایه‌های زباله نیستیم. با این تفاسیر می‌توان برای مکان‌های باستانی که در محل‌های مشابه قرار دارند الگویی تعریف کرد و این امر می‌تواند به انتخاب محل ترانشه کمک شایانی به باستان‌شناسان کند که ترانشه‌ها را در محل احتمالی دپوهای زباله، ایجاد نکنند. در واقع با در نظر داشتن اطلاعاتی از این دست، مکان‌های مشرف به رودخانه‌ها را کاوش نمایند زیرا به احتمال زیاد با انبوهی لایه زباله مواجه خواهند شد. همین عدم اطلاع از الگوی دورریزی زباله در ایران باعث شده که ترانشه‌های لایه‌نگاری رود در میان زباله‌دانی‌ها حفر کنند.

آنچه که می‌تواند این نوشتار را برای باستان‌شناسان مورد توجه قرار دهد، اشاره به نمونه‌هایی است که در کاوش‌های باستان‌شناختی منطقه کشف شده است.

مصطفی پور، حافظ قادی و یاسین حسین‌زاده هشتم که بنده را در کارهای میدانی یاری دادند.

منابع

پاپلی یزدی، لیلا (۱۳۸۱). *بررسی سلسله مراتب جمعیتی، اجتماعی و اقتصادی در روستاهای امروزی دشت درگزر خراسان با توجه به نظریه مکان مرکزی و روش قوم‌باستان‌شناسی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته باستان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس (منتشر نشده).

حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۹۲). *مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی (تجدید نظر اساسی با اضافات)*. تهران: سمت.

خسروی، شکوه (۱۳۸۸). *الگوهای استقرار پیش از تاریخ حوضه آبریز ابهر رود*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته باستان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس (منتشر نشده).

رفیع‌فر، جلال‌الدین (۱۳۶۸). *روستای هوفل*. جامعه‌شناسی هنر و ادبیات. *نامه علوم اجتماعی سابق*، ۱(۳)، ۳۵-۵۹.

رفیع‌فر، جلال‌الدین (۱۳۸۵). *مردم شناسی با تکیه بر اشیاء*. *نامه انسان شناسی*، ۱(۲ و ۳)، ۲۳-۳۱.

رفیع‌فر، جلال‌الدین، قربانی، حمیدرضا (۱۳۸۷). *از کوچندگی تا یکجانشینی؛ رویکرد باستان‌مردم‌شناختی بر خاستگاه خانه و استراتژی معیشتی در دوره نوسنگی*. *نامه باستان‌شناسی*، ۵(۹)، ۸۴-۱۱۶.

رفیع‌فر، جلال‌الدین، غربی موسی الرضا، زرقي، محمد (۱۳۹۴). *آسیابانی و بازنمایی مناسبات اجتماعی طبقات فرودست در جوامع روستایی: بررسی پدیده ی آسیاب و آسیابانی در روستای حسن آباد ششتمد سبزوار*. *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۴(۳)، ۳۷۵-۴۰۷.

با این حال می‌دانیم علی‌رغم آنکه به نظر در زاگرس مرکزی کاوش‌های عمده‌ای صورت گرفته، اما دانسته‌های ما از کاوش‌های صورت گرفته به دلیل عدم انتشار نتایج پژوهش‌های میدانی اندک است. به همین دلیل، به ناچار به مقایسه برخی از کاوش‌هایی می‌پردازیم که در استان زنجان صورت گرفته است.

شکوه خسروی در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود به بررسی حوضه آبریز رودخانه ابهر رود پرداخته و محوطه‌های زیادی را در این محل شناسایی کرده است (خسروی، ۱۳۸۸) که برخی از آنها شباهت‌های چندی به روستاهای مطالعه شده در این نوشتار دارند محوطه‌های تپه کاروانسرا (شکل ۸)، تپه فلج (شکل ۹) و تپه الگزی (شکل ۱۰)، از جمله محوطه‌هایی هستند که با محوطه‌های مطالعه شده در این پایان‌نامه قابل قیاس هستند و می‌توان در تفسیر آنها از اطلاعات موجود در این نوشتار استفاده نمود.

امید است این نوشتار مختصر در کنار پژوهش‌های جدی پیشین به‌ویژه پژوهش‌های کرامر و واتسون، زمینه‌ساز انجام پژوهش‌های باستان‌شناسی بیشتر، با توجه به در نظر گرفتن الگوهای استخراج شده از مطالعات قوم‌باستان‌شناسی در این منطقه گردد.

سپاسگزاری

از جناب آقای دکتر سجاد علی‌بیگی، استاد راهنمای پایان‌نامه‌ام، برای راهنمایی‌های ارزنده و در اختیار نهادن منابع مطالعاتی ارزشمند و مفید، کمال تشکر و قدردانی را دارم. همچنین، سپاسگزار جناب آقای دکتر حجت دارابی، استاد مشاور پایان‌نامه‌ام هستم که با ارائه نظرات کلیدی و ثمربخش، در انجام پژوهش مرا را یاری نمودند. بعلاوه، قدردان زحمات دوستان گرامی‌ام، آقایان غفار ابراهیمی (سارو)، فرهاد فتاحی، سامان

مردم‌شناسی غذا و تغذیه. مجله مطالعات اجتماعی ایران،
۹(۴)، ۱۰۶-۱۳۸.

هاشم نژاد، هاشم، مولانایی، صلاح‌الدین (۱۳۷۸).
معماری با نگاهی به آسمان. نشریه هنرهای زیبا، (۳۶)،
۱۷-۲۶.

Derwett, P. (1999). *Field Archaeology: An Introduction*. UCL Press.

Godsen, C., (1999). *Archaeology and Anthropology*. Routledge.

Hole, F. (1979). Rediscovering the past in the present: ethnoarchaeology in Luristan, Iran. *Ethnoarchaeology: Implications of ethnography for archaeology*, 192-218.

Horne, L. (1994). *Village spaces: settlement and society in northeastern Iran*. Smithsonian Institution Press.

Kramer, C. (1979). An archaeological view of a contemporary Kurdish village: domestic architecture, household size, and wealth. *Ethnoarchaeology: Implications of ethnography for archaeology*, 139-163.

Shepperson, M. (2017). *Sunlight and shade in the first cities: a sensory archaeology of early Iraq*. Vandenhoeck & Ruprecht.

Sumner, W. M. (1979). Estimating population by analogy: an example. *Ethnoarchaeology: implications of ethnography for archaeology*, 164-174.

Trigger, B. (1981). Anglo American archaeology. *World archaeology*, 13(2), 138-155.

Watson, P. J. (1966). Clues to Iranian prehistory in modern village life. *Expedition*, 8(3), 9.
Watson, P. J., & Benco, N. L. (1979). Archaeological ethnography in western Iran. *Viking Fund publications in anthropology*.

رفیع‌فر، جلال‌الدین، میراحمدی، پورسعید (۱۳۹۶).

کپرنشینی یا کپرزدایی؟ مطالعه مردم‌شناختی کپرنشینان شهرستان عنبرآباد (جیرفت). نشریه توسعه محلی (روستایی- شهری) توسعه روستایی سابق، ۹(۱)، ۱-۲۶.

رمضانی، حسن (۱۳۹۵). رویکرد باستان‌مردم‌شناختی بر خاستگاه یکجانشینی و تغییر در شیوه معیشتی در دوره نوسنگی با تاکید بر شمال غرب کرمانشاه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته باستان‌شناسی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه بو علی سینا (منتشر نشده).

سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح (۱۳۸۶). فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های کشور استان کردستان: شهرستان‌های سقز، مریوانی. تهران.

علی بیگی، سجاد، مک‌گینس، جان (۱۳۹۸). ترانسه‌های لایه‌نگاری را کجا حفر کنیم؟ یادداشتی درباره ارتباط میان روند شکل‌گیری محوطه‌های باستانی، محل ترانسه و نتایج کاوش‌های لایه‌شناختی. باستان‌شناسی، ۳(۳)، ۴۶-۶۸.

علیزاده، عباس (۱۳۸۳). تئوری و عمل در باستان‌شناسی (با فصل‌هایی در زیست‌شناسی تحولی و معرفت‌شناسی)، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.

عمرانی، قاسمعلی (۱۳۸۳). مواد زائد جامد. جلد اول و دوم، تهران: مرکز انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی.

محمد پور، محمد (۱۳۹۲). از سنت به نوسازی (مطالعه موردی تغییرات اجتماعی به روش اتنوگرافی). تهران: جامعه‌شناسان.

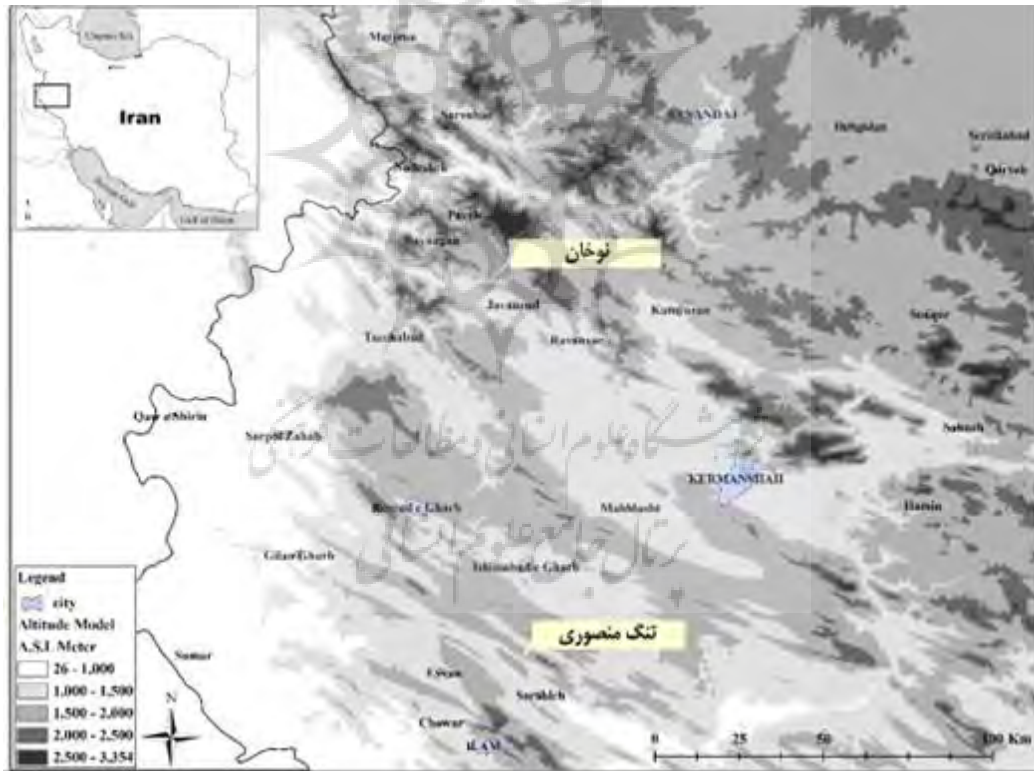
نوری، محدث (۱۴۰۸ ق). مستدرک الوسائل. قم: مؤسسه آل‌البیت قم، ۱۶، ج ۱۶.

ودادهیر، ابوعلی، امیدوار، نسرین، رفیع‌فر، جلال‌الدین، جوان محبوب دوست، سارا (۱۳۹۵). مطالعه قوم‌نگارانه غذاهای محلی در شهرستان فومن: پژوهشی در

ضمائم



شکل ۱: برای تعریف تئوری حد وسط



شکل ۲: موقعیت روستاهای تنگ منصوری و نوخان



شکل ۳: خانه‌ای که مدت ۱۵ سال است که متروک شده و نخاله‌های آن برجای و دست‌نخورده باقی مانده است (روستای ناوتنگ)



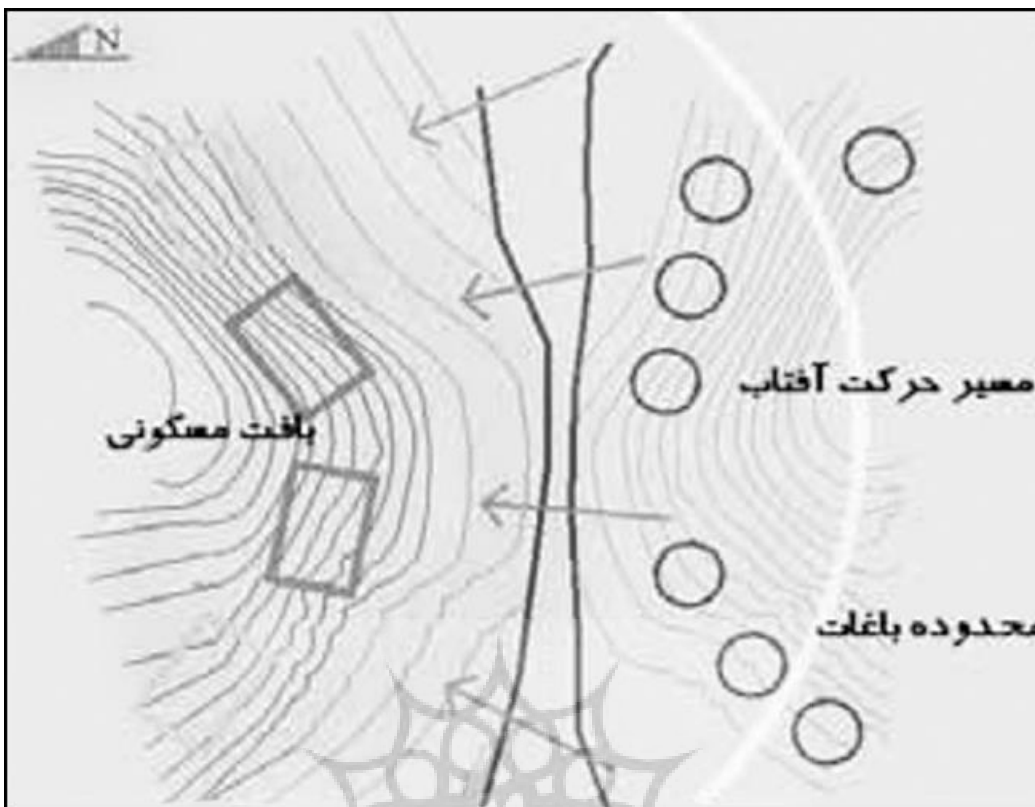
شکل ۴: محل دفع زباله‌ها در روستای ناوتنگ (عکس: ناصر امینی خواه)



شکل ۵: نخاله‌های ساختمانی در روستای نوخان (عکس: ناصر امینی خواه)



شکل ۶: محل دفع زباله‌ها در روستای نوخان (عکس: ناصر امینی خواه)



شکل ۷: نمودار نحوه استقرار بافت مسکونی و نورگیری در روستاهای کوهستانی (مولانایی، ۱۳۸۴: ۱۹۶)



شکل ۸: تپه کاروانسرا (عکس: دکتر شکوه خسروی)



شکل ۹: تپه فلج (عکس: دکتر شکوه خسروی)



شکل ۱۰: تپه الکزیر (عکس: دکتر شکوه خسروی)

جدول ۱: جزئیات مربوط به قومیت و ساختار اجتماعی در روستای ناو تنگ

تعداد خانوار	جمعیت	قومیت	مذهب	ساختار خانواده	نسبت اهالی روستا با هم	وضعیت مهاجرت
۲۵	۱۸۰ نفر	کرد	شیعه	گسترده	نسبی	مهاجر فرست

جدول ۲: مربوط به جزئیات روابط و ساختار اجتماعی در روستای ناو تنگ

ساختار جامعه	قدرت در جامعه	وضعیت محل منازل	ارتباط با جوامع دیگر
ساده	در گذشته در دست کدخدا بوده و امروز شورای روستا که همان فرزندان کدخدا هستند	خانواده‌هایی که نسبت فامیلی نزدیک‌تری دارند در نزدیکی هم اقدام به ساخت خانه کرده‌اند.	بر اساس روابط اقتصادی

جدول ۳: معیشت و مناسبات اقتصادی در روستای ناو تنگ

بافت فرهنگی جامعه	سنتی
معیشت	دامداری، کشاورزی، باغداری و تلفیقی از این‌ها
وضعیت کشاورزی	دیم و آبی
محصولات کشاورزی	گندم، جو، نخود، عدس، چغندر و ذرت
محصولات باغی	انگور، گردو، زردآلو، شلیل، انجیر
میوه‌های جالیزی	خیار، گوجه، طالبی
حیوانات اهلی	گوسفند، بز، گاو، مرغ، خروس، بوقلمون، غاز، الاغ و سگ
فاصله باغ‌ها تا روستا	کمتر از یک کیلومتر
فاصله زمین‌ها تا روستا	یک و نیم ساعت فاصله با پای پیاده
وسایل موتوری کشاورزی	یک دستگاه تراکتور
	در گذشته نه‌چندان دور پایاپای بود و به صورت کالا با کالا، اما امروزه بیشتر مبادلات با پول انجام می‌گیرد

جدول ۴: مربوط به سازه‌ها و ابزارهای مربوط به آماده‌سازی و تدارک غذا در روستای ناو تنگ

محل پخت نان	سوخت جهت پخت نان	محل پخت غذا	سوخت جهت پخت غذا
اتاقی را در داخل حیاط ساخته و به این امر اختصاص داده‌اند.	هیزمی که از درختان جنگلی تهیه می‌شود.	معمولاً بخشی از یکی از اتاق‌های منزل را جهت این کار مورد استفاده قرار می‌دهند. در بعضی موارد اتاق جداگانه‌ای در نظر گرفته می‌شود.	در گذشته هیزم تهیه شده از درختان جنگلی بوده است. امروزه از نفت و گاز (کپسول) استفاده می‌شود.

جدول ۵: مربوط به جزئیات وضعیت معماری مسکونی در روستای ناو تنگ

مصالح غیربومی	وضعیت معماری مسکونی	مساحت خانه‌ها	مصالح	ساختار روستا
سیمان، آجر و آجر	بخش اصلی خانه‌ها به صورت دوطبقه است که طبقه همکف به محل نگهداری حیوانات اختصاص داده شده است و پلانی مانند طبقه بالا دارد. طبقه اول محل سکونت صاحب یا صاحبان خانه است. تمامی منازل روستا دارای حیاط هستند که در فصول گرما با استفاده از چوب و شاخ و برگ درختان به بخش‌هایی جهت نگهداری حیوانات تقسیم می‌شود. در طرفین خانه تا انتهای حیاط اتاق‌هایی قرار دارد که شامل کاهدان، انبار، محل پخت نان و سرویس بهداشتی می‌شوند.	۲۰۰ - ۳۰۰ مترمربع	سنگ، چوب و گل.	روستا دارای ساختاری باز و به صورت خانه‌هایی در کنار هم هستند که میان آنها کوچه قرار گرفته است.

جدول ۶: جمعیت: مربوط به جزئیات قومیت و قبیله و خانوار روستای نوخان

تعداد خانوار	جمعیت	قومیت	مذهب	ساختار خانواده	نسبت اهالی روستا با هم	وضعیت مهاجرت
۵	۲۵ نفر	کرد	سنی	گسترده	نسبی و سببی	مهاجر فرست

جدول ۷: مربوط به جزئیات روابط و ساختار اجتماعی در روستای نوخان

ساختار جامعه	قدرت در جامعه	وضعیت محل منازل	ارتباط با جوامع دیگر
ساده	در گذشته باینکه کدخدا وجود داشته اما روحانیون و ریش سفیدان معتمد مردم بیشتر مقبولیت داشته‌اند.	خانواده‌هایی که نسبت فامیلی نزدیک‌تری دارند در نزدیکی هم اقدام به ساخت خانه کرده‌اند.	بر اساس روابط اقتصادی و نیز ازدواج

جدول ۸: مربوط به جزئیات معیشت و مناسبات اقتصادی در روستای نوخان

بافت فرهنگی جامعه	سنتی
معیشت	دامداری، باغداری و تلفیقی از این‌ها
وضعیت کشاورزی	در گذشته در یک برهه زمانی کشاورزی انجام می‌شده است.
محصولات کشاورزی	-
محصولات باغی	توت، گردو، گیلاس، سیب
میوه‌های جالیزی	-
حیوانات اهلی	گوسفند، بز، گاو، مرغ، خروس، الاغ و سگ
فاصله باغ‌ها تا روستا	کمتر از یک کیلومتر
فاصله زمین‌ها تا روستا	-
وسایل موتوری کشاورزی	-
مبادلات اقتصادی	در گذشته نه‌چندان دور پایاپای بود و به صورت کالا با کالا، اما امروزه بیشتر مبادلات با پول انجام می‌گیرد
سایر	جمع‌آوری صمغ درخت ون، شکار، پرورش زنبور عسل

جدول ۹: مربوط به جزئیات سازه‌ها و ابزارهای مربوط به آماده‌سازی و تدارک غذا در روستای نوخان

محل پخت نان	ساخت جهت پخت نان	محل پخت غذا	ساخت جهت پخت غذا
به صورت سازه‌ای جدا. در برخی موارد جدای از ساختمان اصلی است.	هیزمی که از درختان جنگلی تهیه می‌شود.	یکی از اتاق‌های طبقه محل سکونت. معمولاً اتاق وسط است که پنجره‌ای جهت خروج دود در آن تعبیه شده است.	در گذشته هیزم تهیه شده از درختان جنگلی بوده است. امروزه از نفت و گاز (کپسول) استفاده می‌شود.

جدول ۱۰: مربوط به جزئیات سازمان فضایی و معماری مسکونی در روستای نوخان

مصالح غیربومی	وضعیت معماری مسکونی	مساحت خانه‌ها	مصالح	ساختار روستا
سیمان	بخش اصلی خانه‌ها به صورت دو طبقه است که طبقه همکف به محل نگهداری حیوانات اختصاص داده شده است و پلانی مانند طبقه بالا دارد. طبقه اول محل سکونت صاحب یا صاحبان خانه است. دیگر فضاها مانند انبار، سرویس بهداشتی و ... به دلیل عدم وجود زمین کافی جدای از ساختمان اصلی بنا شده‌اند.	۱۵۰-۱۰۰ مترمربع	سنگ، چوب و گل	روستا دارای ساختاری بسته و به صورت پلکانی است.

جدول ۱۱: مقایسه دو روستای تنگ منصور و نوخان

روستای نوخان	روستای تنگ منصور	عنوان
گُرد و اهل سنت	گُرد و اهل تشیع	قومیت و مذهب
گسترده	گسترده	ساختار خانواده
نسبی و سببی (داخل و خارج از روستا)	نسبی (ازدواج داخل روستا)	نسبت اهالی روستا با هم
مهاجر فرست. اخیراً اهالی در حال بازگشت هستند	مهاجر فرست	وضعیت مهاجرت
در گذشته با اینکه کدخدا وجود داشته اما روحانیون و ریش سفیدان معتمد مردم بیشتر مقبولیت داشته‌اند.	در گذشته در دست کدخدا بوده و امروز شورای روستا که همان فرزندان کدخدا هستند	قدرت در جامعه
بر اساس روابط اقتصادی و نیز ازدواج سنتی	بر اساس روابط اقتصادی	ارتباط با جوامع دیگر
دامداری، باغداری و تلفیقی از این‌ها	دامداری، کشاورزی، باغداری و تلفیقی از این‌ها	معیشت
در گذشته نه‌چندان دور پایاپای بود و به صورت کالا با کالا، اما امروزه بیشتر مبادلات با پول انجام می‌گیرد	در گذشته نه‌چندان دور پایاپای بود و به صورت کالا با کالا، اما امروزه بیشتر مبادلات با پول انجام می‌گیرد	مبادلات اقتصادی
زباله‌های ساختمانی (نخاله)، زباله‌های حاصل از مواد مصرفی که این نوع زباله خود به دو نوع زباله‌های آلی و پس‌مانده-های مواد پلاستیکی تقسیم می‌شوند و زباله-های حیوانی هستند.	زباله‌های ساختمانی (نخاله)، زباله‌های حاصل از مواد مصرفی که این نوع زباله خود به دو نوع زباله‌های آلی و پس‌مانده‌های مواد پلاستیکی تقسیم می‌شوند و زباله‌های حیوانی هستند.	انواع زباله
زباله‌های ساختمانی که به واسطه متروک شدن خانه‌ها بر جایی می‌ماند در همان محل	زباله‌های ساختمانی که به واسطه متروک شدن خانه‌ها بر جایی می‌ماند در همان محل خود دست‌نخورده باقی	شیوه دفع زباله

می‌مانند، مگر اینکه صاحب آن اجازه استفاده را به دیگران بدهد. زباله‌های حیوانی در برخی موارد به عنوان سوخت و کود مورد استفاده قرار می‌گیرد و مابقی در محل دفع رها می‌گردد. دیگر انواع زباله در محل‌های دفع رها می‌شوند.	خود دست‌نخورده باقی می‌مانند، مگر اینکه صاحب آن اجازه استفاده را به دیگران بدهد. زباله‌های حیوانی در برخی موارد به عنوان سوخت و کود مورد استفاده قرار می‌گیرد و مابقی در محل دفع رها می‌گردد. دیگر انواع زباله در محل‌های دفع رها می‌شوند.	
محل دفع زباله	در حاشیه روستا	در حاشیه روستا
محل پخت نان	اتاقی را در داخل حیاط ساخته و به این امر اختصاص می‌دهند.	به صورت سازه‌ای جدا. در برخی موارد جدای از ساختمان اصلی است.
سوخت جهت پخت نان	هیزمی که از درختان جنگلی تهیه می‌شود.	هیزمی که از درختان جنگلی تهیه می‌شود.
محل پخت غذا	معمولاً بخشی از یکی از اتاق‌های منزل را جهت این کار مورد استفاده قرار می‌دهند. در بعضی موارد اتاق جداگانه‌ای در نظر گرفته می‌شود.	یکی از اتاق‌های طبقه محل سکونت. معمولاً اتاق وسط است که پنجره‌ای جهت خروج دود در آن تعبیه شده است.
سوخت جهت پخت غذا	در گذشته هیزم تهیه شده از درختان جنگلی بوده است. امروزه از نفت و گاز (کپسول) استفاده می‌شود.	در گذشته هیزم تهیه شده از درختان جنگلی بوده است. امروزه از نفت و گاز (کپسول) استفاده می‌شود.
ساختار روستا	روستا دارای ساختاری باز و به صورت خانه‌هایی در کنار هم هستند که مابین آنها کوچه قرار گرفته است.	روستا دارای ساختاری بسته و به صورت پلکانی است.
مصالح	سنگ، چوب و گل	سنگ، چوب و گل
وضعیت معماری مسکونی	بخش اصلی خانه‌ها به صورت دو طبقه است که طبقه همکف به محل نگهداری حیوانات اختصاص داده شده است و پلانی مانند طبقه بالا دارد. طبقه اول محل سکونت صاحب یا صاحبان خانه است. تمامی منازل روستا دارای حیاط هستند که در فصول گرما با استفاده چوب و شاخ و برگ درختان به بخش‌هایی جهت نگهداری حیوانات تقسیم می‌شود. در طرفین خانه تا انتهای حیاط اتاق‌هایی قرار دارد که شامل کاهدان، انبار، محل پخت نان و سرویس بهداشتی می‌شوند.	بخش اصلی خانه‌ها به صورت دو طبقه است که طبقه همکف به محل نگهداری حیوانات اختصاص داده شده است و پلانی مانند طبقه بالا دارد. طبقه اول محل سکونت صاحب یا صاحبان خانه است. دیگر فضاها مانند انبار، سرویس بهداشتی و ... به دلیل عدم وجود زمین کافی جدای از ساختمان اصلی بنا شده‌اند.
قبرستان	قبرستان قدیمی ساده و دارای قبرهای انفرادی بوده است. حدود ۱۵ سال است که مردم روستا متوفیان خود را در محلی به نام امامزاده حسن در ۱۵ کیلومتری روستا دفن می‌کنند.	سه نوع قبر در گورستان روستا وجود دارد. قبرهای ساده انفرادی، قبرهای خانوادگی و قبرهای افراد خاص



Ethnoarchaeological Investigation of Tang Mansouri and Nokhan Villages in Kermanshah Province and Its Importance in Archaeological Interpretations with Emphasis on Garbage Disposal Patterns

Naser Aminikhah¹

DOI: 10.30495/peb.2023.701579

Abstract

In the last few decades, the very rapid development of technologies has caused many and rapid changes in various aspects of human life, from architecture and social structure to clothing and food. Therefore, today there are few places and communities that have remained away from these changes. For this reason, it is very important to record and record the information available in such places that have preserved their traditional base to help in the recognition of archaeological findings and the analysis and interpretation of data. The two villages of Tang Mansouri and Nokhan in Kermanshah province are among the few communities that have remained far away from the changes of the present age and have been able to preserve their traditional way of life to some extent. Accordingly, to conduct the present research, the two mentioned villages were considered the most suitable options for conducting ethnoarchaeological studies about their surroundings, and therefore they were selected for the present research. In this research, the ethnoarchaeology of these two villages has been investigated simultaneously and a comprehensive description of them has been presented by studying different aspects of life. Finally, by comparing the findings of the research, suggestions have been presented that will help archaeologists to have a more accurate analysis of their findings. Besides, the pattern of waste disposal, which is very important in archaeological exploration and interpretations, has been emphasized and theories about the archaeological landscape of the sites have been presented.

Keywords: Ethnoarchaeology, garbage disposal, archaeological landscape, Tang Mansouri, Nokhan.

* **Citation:** Aminikhah, N. (2023). Ethnoarchaeological Investigation of Tang Mansouri and Nokhan Villages in Kermanshah Province and its Importance in Archaeological Interpretations with Emphasis on Garbage Disposal Patterns. *Payām-e Bāstānshenās*, 14(27), 71-94. (In Persian)

¹ Department of Archaeology, University of Tehran, Tehran. Corresponding author: naseraminikhah@gmail.com